

## روش تحصیل امنیت براساس مبانی فقه اسلامی و مکاتب مطرح امنیتی

میرزا حسین فاضلی<sup>۱</sup>

### چکیده

پرسشی که این مقاله رسالت پاسخ دهی آن را به عهده دارد، این است که فرایند تحصیل امنیت بر اسای آموزه‌های فقه اسلام؛ چگونه قابل تحقق است، و در مقایسه با روش تحصیل امنیت، در مکاتب دیگر از چه برجستگی‌هایی برخوردار است. در فرایند تحصیل امنیت، مکاتب مختلف، رویکردهای ویژه خویش را دارند. و این مسئله در دوران، بین روش‌های استفاده از: «زور» و «اقتدار» تا «اقتناع» بر اساس رویکردهای مختلف، دور می‌زند. بر اساس رویکردهای دموکراسی مابانه نوعاً سخن از اقتناع گفته می‌شود. با این حال، در مکتب لیبرال؛ در این باب، مشی دوگانه‌ای دیده می‌شود؛ چه اینکه آنان از مؤلفه «اقتناع» در برابر لیبرال‌ها و از مؤلفه «زور» علیه کشورهای غیر لیبرال سود می‌برند. و اما در رویکرد قدرت مداران، و کسانی هدف اصلی آنان در اختیار داشتن قدرت است و بس، درین بحث، رویکرد «زورمدارانه» نیز تجویز شده است. و سرانجام در رویکرد شریعت‌گرایان، که چرخه روش تحصیل امنیت، بیشتر بر آستانه اقتدار دور می‌زند؛ تحصیل امنیت، در اسلام ابعادی زیادی دارد: همانند روش تحصیل امنیت سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی، و محیط زیست.

امنیت سیاسی؛ از طریق برقراری عدالت و رعایت عدل و انصاف؛ مشورت، اعطای آزادی‌های لازم در زمینه مورد نظر، امکان پذیر است. امنیت اجتماعی؛ از طریق امر به معروف و نهی از منکر، نصیحت، تذکر، رعایت حریم خصوصی مردم، تحقق پذیر است. امنیت فرهنگی، در فقه سیاسی اسلام از طریق، هجرت، دعوت، امر به معروف و نهی از منکر، و پای بندی به آموزه‌های دینی، امکان پذیر است. امنیت اقتصادی، از طریق برقراری عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت، مبارزه، با عوامل مخل امنیت اقتصادی امکان پذیر است. امنیت زیست محیطی؛ با رعایت قواعد فقهی موجود در همین زمینه، امکان پذیر است.

### واژگان کلیدی

روش تحصیل امنیت، فقه اسلامی، زور، اقتناع، اقتدار، مکاتب امنیتی.

<sup>۱</sup> دبیرتتمنت اداری و دیپلوماسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه جامی (Mifazeli6gmail.com)



## مقدمه

واقع‌گرایان به دلیل اینکه در بحث ابعاد امنیت، مضیق می‌اندیشند و قدرت را در امور نظامی منحصر می‌دانند؛ روش تحصیل امنیت را نیز منحصر در «زور» و «قدرت» می‌دانند. آنان روش تحصیل امنیت را در این می‌دانند که توان نظامی خود را هر چه بیشتر باید تقویت کرد. از نظر واقع‌گرایان روابط بین الملل هر چند صحنه جنگ دائمی نیست، ولی احتمال وقوع جنگ و رقابت امنیتی بی‌رحمانه در آن وجود دارد. از نظر واقع‌گرایان صلح اصیل یعنی جهانی که در آن کشورها بدون رقابت بر سر قدرت باشد؛ امکان پذیر نیست.

واقع‌گرایان سه الگوی رفتاری را برای بازیگران ارایه می‌کنند:

یک: در نظام بین الملل، کشورها از یکدیگر می‌هراسند؛

دو: در نظام بین الملل، کشورها سعی دارند؛ تا بقای خود را تضمین نمایند. چون کشورهای دیگر تهدید بالقوه‌اند و هیچ قدرت بالاتر که در مواقع خطر، آنان را کمک کند وجود ندارد؛

سه: هدف کشورها در نظام بین الملل، به حد اکثر رساندن قدرت نسبی خویش، در مقایسه با سایر کشورهاست. دلیل آن خیلی ساده است: هر چه برتری نظامی کشوری بر کشورهای دیگر بیشتر باشد، در امنیت بیشتری به سر می‌برند. آنان اعتقاد دارند که همه کشورها دوست دارند «مهیبت‌ترین قدرت نظامی» را در اختیار داشته باشند؛ زیرا، این بهترین راه برای بقا است. (عبدالله خانی ۱۳۸۹: ۶۲-۶۵).

در نظام لیبرالی سه رویکرد مهم امنیتی از درون ایدئولوژی لیبرالیسم قابل تشخیص است: امنیت نهادگرا، امنیت متکثر و صلح دموکراتیک. امنیت نهادگرا؛ بیشتر متأثر از آرا و نظریات وودرویلسون رییس جمهور اسبق آمریکا است که با طراحی اصول چهارده گانه خود دستیابی به صلح و امنیت را صرفاً از طریق «نهادهای بین المللی» امکان پذیر می‌دانست. در مجموع رویکرد امنیت نهادگرا، امنیت در عرصه بین المللی را صرفاً به شکل، دسته جمعی امکان پذیر می‌داند. این رویکرد برای «مدیریت ناامنی» به جای تکیه بر عوامل بیرونی، بر عوامل درونی ناامنی از جمله ادراکات، تمایلات و اطلاعات بازیگران تکیه دارد و از طریق اصلاح و بازسازی این عوامل، در «مدیریت ناامنی» تلاش می‌کنند. از نظر آنان با وجود این؛ به کارگیری «زور» علیه بازیگران شورشگر نیز به عنوان امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر در نظر گرفته شده است. (عبدالله خانی ۱۳۸۹)

## الف) روش تحصیل امنیت در رویکرد عمده‌ترین مکاتب امنیتی مطرح

در پاسخ این سؤال که امنیت با استفاده از چه روش‌های باید، به وجود بیاید؛ جواب‌های متعددی از سوی مکاتب مختلف ارائه گردیده است: برخی از مکاتب قایلند که برای تحصیل امنیت یک راه بیشتر وجود ندارد. و آن عبارت از بالابردن توان و «قدرت نظامی» است. برخی دیگر بر گزینه «اقتدار» تأکید دارند که اینک برخی دیگر بر «اقتناع» توجه جدی دارند. برایندهای دیدگاه رئالیستی عبارت است از اینکه: دولت‌ها، منشأ اصلی تهدید و

مسئول اولیه برقراری امنیت محسوب می‌شوند و امنیت ملی به صورت محافظت از دولت در مقابل تهدیدهای خارجی تعریف نشده؛ در واقع، تأمین امنیت بین‌الملل به تأمین امنیت ملی دولت، منوط است؛ در چنین حالتی، دولت‌ها مسئولیت اولیه تأمین امنیت خود را بر عهده دارند. تهدیدها دارای ماهیت نظامی بوده، پاسخ نظامی را بر می‌تابد؛ با توجه به آنارشیستی بودن وضعیت نظام بین‌الملل، هر دولتی باید این مسئله را در نظر داشته باشد که در هر لحظه امکان تجاوز نظامی به حریم کشورش وجود دارد؛ از این رو، تنها ابزار مقابله با تهاجم نظامی، داشتن قدرت نظامی مناسب است. از آنجاکه هر دولتی به صورت بالقوه هم می‌تواند تجاوزگر باشد و هم ممکن است مورد تجاوز دولت‌های دیگر قرارگیرد، بهترین روش تأمین و حفظ امنیت بین‌الملل، تحقق بازدارندگی‌های متقابل میان دولت‌ها و شکل‌گیری موازنه قدرت است. ( مک کین لای و لیتل، ۱۳۸۰: ۵۷ تا ۱۳۷) این طرح به تازگی با توجه به گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، بیشتر اهمیت یافته است، زیرا این احتمال وجود دارد که چنین قابلیتی ابزار دست کسانی شود که در ساده‌ترین وضعیت‌ها به استفاده از آن تمایل دارند و از این رو، همگی را با خطر انهدام فراگیر مواجه می‌کنند. در این رهیافت؛ حفظ حاکمیت و استقلال کشور به مثابه بالاترین ارزش در نظر گرفته می‌شود؛ از منظر رئالیستی، دولت‌ها بازیگران اصلی عرصه روابط بین‌الملل هستند و در رقابت آن‌ها باهمدیگر بقای آن‌ها، عالی‌ترین هدف است. ( Gilpin, 1986:234-278; See, Morgenthau, 1993:8-146) از این جهت، حاکمیت و استقلال، بالاترین ارزش مورد توجه دولت-هاست، در نظام بین‌الملل آنارشیکی، هیچ قدرت فائده‌ای وجود ندارد که بقای دولت-ملت‌ها را تضمین کند و هر کشوری نیز باید تمام تلاش خود را در راستای حفظ حاکمیت و استقلال خود که بقایش با آن تعریف نشده، به کارگیرد. (عبد العلی قوام، ۱۳۷۹: ۵۶)

اما لیبرالیسم؛ در باره روش تحصیل امنیت، بر دو مؤلفه «اقتناع» و «زور» تأکید دارد. آنان در این خصوص به جای تکیه بر تظاهرات نامنی بر عوامل درونی آن؛ از جمله ادراک، تمایلات (اقتناع) و اطلاعات بازیگران تکیه دارد. با این حال از منظر آنان به کارگیری زور علیه بازیگران شورشگر توسط نیروی نظامی نهاد بین‌المللی - در اینجا سازمان ملل متحد - امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. (عبد اله خانی، ۱۳۸۹: ۱۱۰) با در نظر داشت نظر کلی طرفداران این مکتب می‌توان استنتاج کرد که آنان از مؤلفه «اقتناع» در برابر لیبرال‌ها و از مؤلفه «زور» علیه کشورهای غیر لیبرال سود می‌برند. و این در حالی است که از منظر مکتب کپنهاک که بوزان عهده‌دار تبیین آن است دفاع و قدرت به عنوان دو عامل اصلی تأمین امنیت است که البته از نظر او این دو عامل خود پرورش دهنده ناامنی نیز هستند. (همان، ص ۱۳۶) در مطالعات امنیتی جهان سوم در خصوص تحصیل امنیت؛ بر ایده خود اتکایی به معنی عدم تکیه بر امکانات اقتصادی و نظامی سایر کشورها تأکید شده است از نظر مروجان خوداتکایی در سطح ملی در خدمت وحدت ملی و در برابر تهدیدات خارجی قرار دارد. (همان، ص ۱۵۱) طرفداران ایده خود اتکایی بر این نظراند که چون کشورهای جهان سوم توان تولید سلاح‌های لازم را ندارند، باید در چها چوب این ایده خلاء مورد نظر را با

احساس تعهد قوی ایدئولوژیک شهروندان و سربازان جبران نمایند؛ برای این منظور راه اندازی ارتش مردمی را به عنوان، یک کالای قدرت در برابر توانمندی‌های تکنولوژیک دشمن باید مطرح کرد. از سوی دیگر بر ضرورت اجتناب‌ناپذیر خود اتکایی در زمینه‌های پایه همانند مواد غذایی استراتژیک تأکید دارند.

طرفداران ایده خوداتکایی اعتقاد دارند که این ایده با برخی عوامل قابل تقویت است و مهم‌ترین عوامل تقویت کننده خوداتکایی عبارت‌اند از:

۱. تجربه استعمار و یا دیگر اشکال سلطه خارجی: چنین وضعیتی باعث تقویت حس استقلال‌خواهی و افزایش انگیزه به جهت تحقیر ملی می‌شود.
۲. موقعیت ژئوپلیتیک کشور: چنانچه اطراف کشور مورد نظر را، کشورهای متخاصم تحت حمایت یک قدرت خارجی فراگرفته باشد ایده خوداتکایی بیشتر تقویت می‌شود.
۳. انسجام قومی: کشوری که از لحاظ قومی یکدستند برای پذیرش ایده خوداتکایی مستعدترند.
۴. غرور ملی و پیشینه تاریخی و باستانی: داشتن عظمت ملی و سابقه تاریخی امپراتوری خود نیز جبران کننده کالای قدرت است و انگیزه‌های کشور را برای ایده خوداتکایی تقویت می‌کند.

عطش استقلال سیاسی: کشورهایی که انگیزه بالایی برای برخورداری از استقلال سیاسی دارند، از زمینه مساعدتری برای پیگیری ایده خوداتکایی برخوردارند. (عبداله خانی، ۱۳۸۹ صص ۱۵۱-۱۵۳) اما سازه‌انگاران روش تحصیل امنیت را در اقتناع می‌دانند که این اقتناع از نظر آنان با اعتماد متقابل به دست می‌آید. آنان با طرح اجتماع امنیتی که اولین بار آن را کارل دویچ به کاربرد و بعد ها به شکل مبسوط‌تری توسط ایمانوئل ادلر و میشل بارنت تبیین شد. در طرح اجتماع امنیتی، جهان به منطقه جنگ و منطقه صلح تقسیم می‌گردد. در منطقه صلح که از نظر آنان خودی‌ها حاکم‌اند؛ همکاری‌ها پایدار بوده، اعتماد و وابستگی‌های گسترده متقابل حاکم است این‌رو، این منطقه از ثبات داخلی خوبی برخوردار است. در مقابل در منطقه جنگ که از نگاه آنان در این منطقه غیر خودی‌ها حاکم است منازعات، تهدیدات، جنگ و درگیری زیاد است و در نتیجه هیچ اعتمادی وجود ندارد. (رک: همان صص ۱۶۰-۱۶۴. و صص ۲۶۱-۲۶۳) اما مارکس به عنوان، یک فراساختارگرا اعتقاد دارد که آنچه موجب امنیت می‌شود پول است نه ترس یا خودخواهی‌های هابزی. (همان، ص ۱۸۷) فراساختارگرایان اعتقاد دارند به جای افزایش امنیت باید به دنبال حذف موضوعات امنیتی بود (امنیت زدایی از موضوعات امنیت و به بیان دیگر تبدیل دشمن به مخالف و مخالف به دوست). (همان، ص ۲۶۶)

### درین میان در گفتمان امنیتی انتقادی سه هدف پیگیری می‌گردد:

یک: تلاش برای تضعیف گفتمان امنیتی سلطه جویانه که با یافتن تناقض‌های درون نظم موجود و نقد رژیم‌های امنیتی حاکم از راه مواجه نمودن آن‌ها با نتایج واقعی به دست می‌آید. مطالعات امنیتی انتقادی در چهارچوب این هدف نظریه‌ها و دیدگاه‌های را که به نظم حاکم مشروعیت می‌بخشد، به چالش می‌کشد.

دوم: دومین هدف مطالعات امنیتی انتقادی آموزش است، آن‌ها می‌خواهند فعالیت‌های آموزشی را به کسب حمایت از آن‌دسته از جنبش‌های اجتماعی معطوف نمایند که تغییر اجتماعی آزادی‌خواهانه را رواج می‌دهند.

سوم: هدف سوم رهیافت انتقادی تغییر دادن هنجارهای تنظیم‌کننده و تشکیل‌دهنده نظام بین‌المللی است به نحوی که دولت‌ها از فکر کردن و عمل کردن بر اساس الگوهای واقع‌گرایی دست بردارند. در این چهارچوب هواداران این رهیافت در پی ساختن دنیایی هستند که در آن همه کشورها، جنگ را اقدامی غیرقابل قبول بدانند. از نظر آنان این امر ممکن نیست مگر با تغییر دادن بنیادین هویت دولت‌ها و یا به طور دقیق‌تر اندیشه کشورها در رابطه با خود و روابط با دیگران. آن‌ها ایجاد نظام بین‌الملل ماورای مدرنی را جستجو می‌کنند که نه با آنارشی و صفات خودخواهانه بلکه به کمک ارتباط متقابل و نیرومند هدایت شده و در آن مفاهیمی همانند حقوق و تعهدات جانشین قدرت و زور گردیده باشد (همان صص ۱۹۹-۲۰۱)

### ب) روش تحصیل امنیت براساس آموزه‌های فقه اسلامی

روش تحصیل امنیت در اسلام «ایمان + پرهیز از ظلم» است. الذین آمنوا ولم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن وهم مهتدون (انعام/۸۲) تحصیل امنیت، در اسلام ابعادی زیادی دارد: همانند روش تحصیل امنیت سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی، محیط زیست و براین اساس:

امنیت سیاسی؛ از طریق برقراری عدالت و رعایت عدل و انصاف؛ مشورت، اعطای آزادی‌های لازم از طریق آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی مذهب و مراسم مذهبی و غیره امکان‌پذیر است.

امنیت اجتماعی؛ از طریق امر به معروف و نهی از منکر، نصیحت، تذکر، رعایت حریم خصوصی مردم، امکان‌پذیر است. امنیت فرهنگی، در فقه سیاسی اسلام از طریق، هجرت، دعوت، امر به معروف و نهی از منکر، پای بندی به آموزه‌های دینی، امکان‌پذیر است. امنیت اقتصادی، از طریق برقراری عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت، مبارزه، با عوامل مخل امنیت اقتصادی همانند، احتکار، کم فروشی، غش در معامله، کلاهبرداری و غیره امکان‌پذیر است. امنیت زیست محیطی؛ با رعایت قواعد فقهی، همانند: حرمت اضرار به خود، حرمت اضرار به غیر، حرمت افساد در زمین، و قاعده حفظ نظام و محیط زیست امکان‌پذیر است.

### ۱. اصول تأمین‌کننده امنیت در فقه سیاسی اسلام

در فقه سیاسی اسلام فقیهان از اصول و قواعدی بحث کرده‌اند که عام و فراگیر است. در بحث روش تحصیل امنیت می‌توان از این اصول بهره جست. پویایی فقه اسلامی را نیز در همین موارد می‌توان مشاهده کرد. اصولی همانند اصل دعوت، هجرت، تألیف قلوب، احسان، عدالت، بازدارندگی و جهاد.

## ۱/۱. هجرت

« تجب الهجرة عن بلاد الشرك على من يضعف عن اظهار شعار الاسلام من الاذان والصلوات والصوم وغيرها » (نجفی، ۱۳۷۴، ج ۲۱ ص ۳۵) کسی که توانایی اظهار شعایر اسلام را همانند: اذان و نمازها و روزه گرفتن و غیره را ندارد؛ واجب است از بلاد شرک مهاجرت نماید. برای وجوب به آیات ذیل استدلال کرده اند: «والذین هاجروا فی سبیل الله ثم قتلوا لیرزقنهم زرقا حسنا وان الله لهو خیر الرزقین» (حج/۵۷) کسانی که در راه خدا هجرت می کنند و سپس کشته می شوند هر آینه آنان را روزی نیکو می دهیم هجرت و خداوند بهترین روزی دهنده است. و نیز به آیه شریفه ذیل استدلال می کنند «والذین هاجروا من بعد ما ظلموا لنبوئتهم فی الدنیا حسنه ولا جر الاخره اکبر کانو یعلمون» (نحل/۴۱) و کسانی مهاجرت می کنند بعد از آنکه مورد ظلم واقع شده اند، در این دنیا جاگاہ خوبی به آنها می دهیم بدون تردید اجر آخرت بزرگتر است اگر می دانستند. اینکه می فرماید «اجراخروی» آن بزرگتر است، اشاره به بعد معنوی آن دارد که رنج ها و مرارت های هجرت را باید تحمل کرد زیرا این کار مربوط می شود به امنیت باطنی و معنوی. آیه دیگری که بدان تمسک شده است آیه شریفه ذیل است « و من یخرج من بیته مهاجرا الی الله ورسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله» (نساء/۱۰۰) کسی که از منزلش خارج میشود در حالی به سوی خدا و رسولش هجرت می کند سپس مرگ او را فراموش می گیرد پاداش او بر خداست. و نیز استناد می کند به روایت نبوی که از پیامبر اکرم (ص) این گونه روایت شده است « من فرّ بدینه من ارض الی ارض وان کان بشیر من الارض استوجب الجنّه وکان رفیق ایه ابراهیم ونبیه محمد(ص) هر کس برای حفظ و نگهداری دین خود، از سرزمینی به سرزمین دیگر فرار کند ولو به اندازه یک وجب باشد، بهشت بر او واجب می گردد. و چنین شخصی در قیامت هم نشین حضرت ابراهیم خلیل، و پیامبر اکرم (ص) است. اینکه در روایت دارد ولو به اندازه یک وجب، این نهایت اهتمام حضرت را نسبت به امور فرهنگی میرساند، بدین معنی که وقتی دین و آیین شما در خطر است باید واکنش مناسب داشته باشید ولو اگر کمترین امکان را داشته باشد؛ به همان اندازه باید، واکنش و موضع گیری مناسب داشته باشید. در کتاب جواهر الکلام هجرت را به چند دسته واجب، و مستحب و مباح تقسیم میکند. اگر شخص در شرایطی باشد که در صورتی که شخص اسلام میاورد و امکان اظهار شعایر اسلامی برای شخص فراهم نیست در این صورت هجرت برای چنین شخصی واجب است. ولی اگر در شرایطی قرار دارد، که از اقتدار و قدرتمندی برخوردار باشد، به دلیل اینکه اقوام و خویشاوندانی دارد، در این صورت هجرت برای چنین شخصی مستحب است زیرا باز هم در محیطی قرار دارد که امکان آن دارد که تحت تأثیر فرهنگ غیر دینی قرار بگیرد. اما در صورتی که عذری دارد همانند پیری و امثال آن در این صورت هجرت برای چنین شخصی مباح است (نجفی، ۱۳۷۴، ج ۲۱، صص ۳۴-۳۶)

## ۱/۲. اصل دعوت

«وکیف کان فلا یبدوون الکفار الحربیون بالقتال مع عدم بلوغ الدعوه الی محاسن الاسلام وهی الشهادتان وما یتبعهما من الاصول الدین وامتناعهم عن ذالک.» باکفار حربی شروع به جنگ نمی‌شود مگر بعد از دعوت آنان به محاسن اسلام و شهادت به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر عظیم الشان اسلام. (نجفی، ۱۳۷۴: ج ۲۱ ص ۵۱) در ادامه روایتی را امیرالمؤمنین (ع) نیز نقل می‌کند که حضرت فرمود: «بعثنی رسول الله صلی الله علیه وآله الی الیمن فقال: لا تقاتلن احدًا حتّی تدعوه وایم الله لان یرهدی الله علی یدیک رجلاً خیر لک ممّا طلعت علیه الشمس وغربت ولک ولاء یاعلی» پیامبر اکرم (ص) هنگامی که مرا به سوی یمن فرستاد فرمود: قسم به خدا، اگر یک نفر را، خداوند به دست شما هدایت کند بهتر است از آنچه خورشید بر آن طلوع و غروب می‌کند. (وسایل، باب ۱۰ از ابواب جهاد)

## ۱/۳. احسان

احسان به دشمن: یکی از زیباترین اصول و قواعد دین مبین اسلام این است که حتی احسان به دشمن را نیز مورد تأکید قرار داده است. «واحسنوا ان الله یحب المحسنین» (بقره/ ۱۹۵) امر به احسان در این آیه اطلاق دارد حتی شامل کفار نیز با شرایط ویژه می‌گردد. «لا ینهکم الله عن الذین لم یقاتلکم فی الدین ولم یخرجکم من دیارکم ان تبروهم وتقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین.» (ممتحنه/ ۸) در این آیه شریفه، می‌فرماید اگر دشمن دو مشکل اساسی را نداشته باشد بدین معنی که شما را از منازلتان اخراج نکرده باشند؛ و در دین نیز با شما مقاتله نکرده باشند؛ با وجود این دو شرط خداوند شما را نهی نمی‌کند که نسبت به آنان احسان نمایید. و عدالت را نیز درباره آنان رعایت نمایید که خداوند عدالت ورزان را دوست دارد. بالاترین مظهر احسان به دشمن دعوت و فراخوانی او به هدایت و راه و رسم درست زندگی است که در آغاز جنگ توسط رزمندگان اسلام انجام می‌پذیرد. بی‌گمان احسان به دشمن منحصر به معنی ایجاد تسهیلات مادی نیست، هر نوع احترام و رعایت شئون انسانی نسبت به دشمن، بخشی از موارد احسان به دشمن محسوب می‌گردد. (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۴۸) که این دستور خداوند متعال است: «ان الله یأمر بالعدل والاحسان» (نحل/ ۹۰) درحقیقت، احسان به دشمن شامل رعایت حقوق اسیران جنگی، حمایت از مجروحان، و منع از کشتار کودکان، زنان، سالخوردگان و نظایر آنهاست. (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۴۸) بخشی از احسان فرصت دادن به دشمن برای انتخاب صحیح است. چنانکه قرآن می‌فرماید: «وان احد من المشرکین استجارک فاجره حتی یسمع کلام الله ثم ابلغه مأمنه ذالک بانهم قوم لا یعلمون.» اگر دشمن از شما فرصت (امان) خواستند این فرصت را به آنان بدهید سپس آنان به مأمّن شان برگردانید! (توبه/ ۶) وان جنحو

للسلم فاجنح لها وتوكل على الله انه هو السميع العليم. «...فَإِنْ اعْتَزَلْتُمْ فَلَمْ يُقَاتِلْكُمْ وَ أَلْقُوا إِلَيْكُمْ السَّلْمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا».

#### ۱/۴. تألیف قلوب

فقهای اسلام از جمله موارد مصرف زکات را تألیف قلوب دانسته‌اند. بدین معنی که با شرایط ویژه می‌توان کفار را، از آن بهره‌مند ساخت و این کار، در تأمین امنیت بسیار مؤثر است. واژه سیاسی فقهی «مؤلفه قلوبهم» که در آیه مربوط به مصارف زکات در قرآن مجید آمده است؛ دارای مفهوم سیاسی و نظامی و حاوی نوعی پشتیبانی امنیتی و نظامی دولت اسلامی است. (عمید زنجانی، ۱۳۸۵ ج ۶: ۸۶)

#### ۱/۵. رعایت اصل عدالت

قران مجید می‌فرماید «ولا یجرمنکم شأن قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی.» دشمنی گروهی نباید شمارا در مسیر بی عدالتی قرار دهد. عدالت پیشه کنید که به راه تقوی نزدیکتر است. (ماید/۸)

«لا ینهکم الله عن الذین لم یقاتلواکم فی الدین ولم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم وتقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین.» (ممتحنه/۸) دشمن اگر شما را از منازل تان اخراج نکرده باشند؛ و در دین نیز با شما مقاتله نکرده باشند؛ (با وجود این دوشروط) خداوند شمارا نهی نمی‌کند که نسبت به آنان احسان نمایید. و عدالت را نیز در باره آنان رعایت نمایید که خداوند عدالت ورزان را دوست دارد:

#### ۱/۶. اصل باز دارندگی

اصل باز دارندگی معنای وسیع و گسترده‌ای دارد و شامل آمادگی‌های دفاعی، تهیه تسلیحات پیشرفته روز، آمادگی روحی و روانی برای دفاع از حریم اسلام و جامعه و قلمرو حاکمیت اسلام، آموزش تکنیک‌های رزمی و تسلیحاتی، جنگهای تمرینی و رزمایش‌های شبانه، و غیره می‌گردد که اینک به اجمال بدان می‌پردازیم.

#### الف: آمادگی دفاعی

«فَإِذَا أُنْسِلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَ خُذُوهُمْ وَ أَحْضَرُوهُمْ وَ أَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِنْ تَابُوا وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (توبه/۵) (اتما) وقتی ماه‌های حرام پایان گرفت، مشرکان را هر جا یافتید به قتل برسانید؛ و آنها را اسیر سازید؛ و محاصره کنید؛ و در هر کمین‌گاه، بر سر راه آنها بنشینید! هرگاه توبه کنند، و نماز را برپا دارند، و زکات را بپردازند، آنها را رها سازید؛ زیرا خداوند آمرزنده



و مهربان است. « وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ... » (الأنفال/ ۶۰) هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد! و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، بطور کامل به شما بازگردانده می‌شود، و به شما ستم نخواهد شد! "جصاص" از مفسران اهل سنت، در احکام القرآن ذیل این آیه تأکید می‌نماید که منظور از امر به اعداد قوه در این آیه شریفه، دستور به تهیه سلاح و ابزار جنگی مانند تیر کمان و مانند آن است، که بایستی پیش از مواجهه با هر جنگی برای ترساندن دشمن، نزد مسلمانان فراهم و آماده باشد و قوله تعالی وأعدوا لهم ما استطعتم من قوه ومن رباط الخيل أمر الله تعالی المؤمنین في هذه الآيه بإعداد السلاح والكراعق لوقت القتال ارهابا للعدو والتقدم في ارتباط الخيل استعدادا لقتال المشركين وقد روى في القوه إنها الرمي» (جصاص، ۱۴۰۵: ۴/ ۲۵۲) چنانکه ملاحظه می‌شود این گونه برداشت از این آیه، دقیقاً مفهوم بازدارندگی با قدرت سخت و لزوم مسلح شدن با همه جنگ افزارهای نظامی متداول در هر عصری را جهت بازدارندگی به روش تهدید و تحذیر در هر زمانی به اثبات می‌رساند. به خصوص اینکه ایشان به عموم لفظ قوه نیز تمسک جسته و بر اساس آن عموم امر به هر آن چیزی که موجب چیرگی و نیرومندی بر دشمن شود را به اطلاق لفظ و کمک برخی روایات در این خصوص استنباط نموده است. «بل عموم اللفظ الشامل لجميع ما يستعان به على العدو ومن سائر أنواع السلاح وآلات الحرب. وهذا يدل على أن جميع ما يقوى على العدو فهو مأمور باستعداده» (جصاص، ۱۴۰۵: ۴/ ۲۵۳) جرجانی "نیز ذیل آیه ۶۰ سوره انفال، در احکام القرآن تصریح، دارد: که «مراد از قوت، چیز است که قادر شوند به او برکاری مثل آلات حرب و غیر آن» (حسینی جرجانی، ۱۴۰۴: ۲/ ۸۱) در حاشیه این سخن، محقق این اثر جناب "میرزا ولی الله اشراقی سرابی" با اشاره به نکته جالبی پیرامون این آیه توضیح می‌دهد که «از کلمه (فراز) «مَا اسْتَطَعْتُمْ» من قُوَّة» استفاده می‌شود که تهیه وسایل جنگ از آلات حرب لازم است خصوصیت به وسایل دون و سائلی ندارد زیرا به مرور زمان وسایل جنگ تفاوت می‌کند و قوه بر جنگ با خصم در این زمان میسر نمی‌شود با وسایل نهفته پس در هر روز تحصیل قوه باید کرد بقدر استطاعت از این سبب لفظ «مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّة» فرمود تا اینکه شامل باشد در هر دوره به وسایل آن زمان چونکه اگر با سم سلاح آن زمان تعبیر می‌فرمود هر آینه شامل نبود به وسایل امروزه.» (همان)

در تفسیر نمونه نیز ضمن اشاره به هدف بازدارندگی از این دستور، به این نکته مهم تصریح شده است که هدف از این آمادگی به سلاح‌های هر زمان به راه انداختن جنگ و زورگویی نیست بلکه از این فراز آیه که می‌فرماید: «تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ» هدف این آمادگی دفاعی نیز مشخص شده است و آن اینکه هدف منطقی و انسانی این موضوع این است که «با این وسایل دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید.» (بازدارندگی با روش تهدید یا امتناع

و تحذیر) به خصوص اینکه در این تفسیر با استناد به فراز «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» تأکید شده است که مفهوم این در هر زمانی قابلیت اجرا و تازگی داشته و مفهوم زنده‌ای داشته و دارد. «زیرا هر سلاح و قدرتی در آینده نیز پیدا شود در کلمه جامع "قوه" نهفته است چون جمله "ما استطعتم" عام و کلمه "قوه" که به صورت "نکره" آمده است عمومیت آن را تقویت کرده و هرگونه نیرویی را شامل می‌شود.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۷/ ۲۲۴-۲۲۵)

در این تفسیر باز تصریح می‌شود که هدف از این آمادگی نظامی جنگ جوی و شرارت نبوده تا با انواع سلاحهای مخرب و ویرانگر ملتها را دور کنند، یا آبادیها و زمین‌ها را به ویرانی بکشانند، یا سرزمین‌ها و اموال دیگران را تصاحب کنند بلکه هدف بر سر جای نشانیدن زورگویان عالم و منصرف ساختن دشمن از توسل به شرارت و زورگویی است. اما وجه رو آوردن به تسلیحات نیز این است که غالب دشمنان گوششان بدهکار حرف حساب و منطق و اصول انسانی نیست، آنها چیزی جز منطق زور نمی‌فهمند! سپس اضافه می‌کند، علاوه بر این دشمنانی که می‌شناسید «دشمنان دیگری غیر از اینها نیز دارید که آنها را نمی‌شناسید ولی خدا می‌شناسد» و با افزایش آمادگی جنگی شما آنها نیز می‌ترسند و بر سر جای خود می‌نشینند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۷/ ۲۲۴-۲۲۶)

در ذیل همین آیه به سیره عملی پیامبر نیز اشاره می‌کنند که آن حضرت در عمل به این آیه همواره در صدد تدارک و تهیه بهترین و جدیدترین سلاح‌های روزگای خویش بوده‌اند. «سیره عملی پیامبر (ص) و پیشوایان بزرگ اسلام نیز نشان می‌دهد که آنها بر این مقابله با دشمن از هیچ فرصتی غفلت نمی‌کردند، در تهیه سلاح و نفقات، تقویت روحیه سربازان، انتخاب محل اردوگاه، و... معروف است که در ایام جنگ "حنین" به پیامبر (ص) خبر دادند که سلاح تازه و مؤثری در «یمن» اختراع شده است، پیامبر (ص) فوراً کسانی را به یمن فرستاد تا آن سلاح را برای ارتش اسلام تهیه کنند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۷/ ۲۲۳-۲۲۴)

بنابراین، یکی از روش‌های تحصیل امنیت در اسلام، روش بازدارندگی است.

## ب) جهاد

بدون شک جهاد یک روش بسیار مؤثر در بازدارندگی است. طبیعت طغیانگر بشر بگونه‌ای است که می‌خواهد همه چیز را آن خود نماید؛ چنانکه قرآن مجید می‌فرماید: «کلا ان الانسان لیطغی ان رایه استغنی» نه چنین است؛ بدرستی انسان طغیانگر است، همین که احساس کند او بی‌نیاز است. (علق/۷) اشاره قرآن مجید به این نکته است که طبیعت انسان از چنین ویژگی برخوردار است. بنابراین باید سازوکاری وجود داشته باشد که در برخی شرایط اگر دشمن طغیان‌گری را انتخاب کرد، باید کسانی باشد که در مقابل این طغیانگری‌ها مقاومت نماید، سازوکار قرآن مجید در اینجا جهاد و شهادت است.

برای رسیدن به یک امنیت فراگیر و همه جانبه در اسلام از چهار نوع جهاد اسم برده شده است. به میزان کاستی و نادیده گرفتن هریک از انواع جهاد امنیت فرد و جامعه نیز دچار کاستی امنیتی در همان بعد خواهد شد.

یک: جهاد اصغر (امنیت نظامی)

دو: جهاد اکبر (امنیت فردی)

سه: جهاد کبیر (امنیت فرهنگی)

چهار: جهاد افضل (امنیت سیاسی)

الف) جهاد اصغر (امنیت نظامی): از آنجاکه جهاد امر مقدس و در راه خداوند است؛ خونریزی و ویرانگری هدف نیست و لذا باید در آن به حداقل و به مقدار ضرورت اکتفا شود و از تخریب و اتلاف اموال و منهدم کردن ابنیه باید اجتناب کرد مگر اینکه ضرورت اقتضا داشته باشد. و دشمن از این وسایل به عنوان ابزار دفاعی استفاده نماید. (نجمی ۱۳۸۵، ج ۲۱ ک ۶۵) قرآن مجید می‌فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مانده: ۳۲). و نیز ایه شریفه «إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره: ۲۰۵) که طغیان‌گری را محکوم نموده است. و با در نظر داشت آیه شریفه «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» (انعام: ۱۵۱). و اطلاق: «فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (بقره: ۱۹۴) که مقابله به مثل و جنبه باز دارندگی را برای هرکسی مشروع دانسته است. و نیز روایاتی که از ائمه (ع) به خصوص از رسول خدا (ص) و علی (ع) در مورد نهی جنگجویان مسلمان از کشتن افراد غیر نظامی، تخریب خانه‌ها، مزارع و کشتن حیوانات و... رسیده است. اطلاق فرمایش امیرالمؤمنین (ع) «واشعر قلب الرحمة للرعيه... و لا تكون عليهم سبعا ضاربا تغتتم اكلهم فانهم صنفان، اما اخ لك في الدين او نظير لك في الخلق» (سیدرضی، ۱۴۱۵: ۵۳). نیز اطلاق و عموم بسیاری از روایات دیگر بر احترام جان، مال انسانها، بلکه احترام جان هر صاحب روحی حتی روح نباتی در حیوانات و گیاهان دلالت دارد. بر اساس عموم و اطلاق این آیات و روایات نتیجه می‌گیریم اصل اولی حرمت تجاوز و تعدی و کشتن و اذیت و آزار دیگران حتی غیر مسلمان است. از این اطلاق و عموم، موارد خاص با تخصیص و تقیید خارج شده است. اگر در موردی شك داشته باشیم که با تخصیص و یا تقیید خارج شده، مثلاً شك کنیم استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در جنگ جایز است یا نه، مرجع عموم و اطلاق ادله اولیه است توجه به بعضی از اصول جنگی ذیل که در منابع دینی آمده است، نیز همین مطلب را بیان می‌کند:

### ج) رعایت اصول انسانی؛ در جنگ

۱. منع اقدام به جنگ به قصد انتقام جویی و خونریزی؛ ۲. منع از آغاز به جنگ بدون دعوت به حق و اتمام حجت؛ ۳. منع از مثله کردن کشته‌های دشمن؛ ۴. منع از نقض عهد و پیمانهای جنگی؛ ۵. منع از کندن و سوزاندن درختان و مزارع؛ ۶. منع از اسارت پیش از اتمام حجت و دعوت به حق؛ ۷. منع کشتن سربازان دشمن، با امکان

اسیر کردن آنان؛ ۸. منع از کشتن و یا پی کردن حیوانات؛ ۹. منع از جنگ پس از قبول اسلام؛ ۱۰. منع جنگ با اهل کتاب درحالی که آمادگی انعقاد قرارداد ذمه را دارند؛ ۱۱. منع ادله جنگ، با پیشنهاد صلح از طرف دشمن؛ ۱۲. منع از تخریب ساختمانها و ویرانگری آبادیها؛ ۱۳. منع بستن آب بر روی دشمن؛ ۱۴. منع کشتن سربازان دشمن که درحال فرار هستند؛ ۱۵. منع کشتن غیر نظامیان از قبیل کودکان، زنان، پیران، رهبانان، پرستاران، مجروحان، بیماران، پیغام رسانان و همانند آنها؛ ۱۶. نهي از کشتن افرادی از سربازان که با اجبار در جنگ شرکت کرده‌اند؛ ۱۷. نهي از کشتن کسانی که درجنگ اجیر شده‌اند؛ ۱۸. نهي از شرکت دادن اطفال در جنگ؛ ۱۹. منع از جنگهای کور و بدون نشانه؛ ۲۰. منع از به کار گیری افراد ناتوان درجنگ.

هریک از این اصول فوق که برگرفته از آیات و روایات و سیره عملی رسول خدا (ص) و ائمه اطهار (ع) در میدان جنگ است، می‌تواند در جهت تبیین مبانی فقهی دکترین جنگ اسلام، باشد. اصولاً بر اساس مبانی دینی نمی‌توان برای رسیدن به هدف از هر وسیله و ابزار استفاده کرد، بلکه شیوه و ابزارهای مورد استفاده اسلام، نیز در راستای ارزش‌های متعالی اسلام تجویز می‌گردد، بنابراین برخی رفتار و اعمال در جنگ ممنوع گردیده و برای بازدارندگی نمی‌تواند تجویز کرد، بلکه اسلام قواعد را وضع نموده که باید آن را رعایت کرد، پیامبر اسلام محدودیت‌های جنگی را برای اسامه بیان می‌کند: «لا تخونوا و لا تغدروا و لا تغلوا و لا تمثلوا و لا تقتلوا طفلاً و لا شیخاً کبیراً و لا امرأه، و لا تعقروا نخلاً و لا تحرقوه، و لا تقطعوا شجره مثمره، و لا تذبحوا شاه و لا بقره و لا بعیراً» (ابن اثیر جزری، ۱۳۸۵: ۳۳۵). عن ابی‌عبدالله (ع) قال: إن النبی (ص) کان اذا بعث امیراً له علی سربیه امره بتقوی الله عزوجل فی خاصه نفسه ثم فی اصحابه عامه ثم یقول: اغز بسم الله و فی سبیل الله، قاتلوا من کفر بالله، لا تغدروا و لا تغلوا و لا تمثلوا و لا تقتلوا ولیداً و لا متبتلاً فی شاهر، و لا تحرقوا النخل، و لا تغرقوه بالماء، و لا تقطعوا شجره مثمره، و لا تحرقوا زرعاً. (وسائل الشیعہ، ج ۱۱، حدیث ۳، ص ۴۳ و ۴۴). از مجموع آیات و روایات نتیجه می‌گیریم که جنگ در اسلام، جنبه ثانوی و بیشتر جنبه باز دارندگی دارد. و از این رو، آنجا که امنیت جامعه اسلامی به خطر می‌افتد؛ جهاد، بر تمامی کسانی قدرت بر جهاد را دارد، واجب می‌گردد. ولی تأکید اسلام در باره جهاد، و نحوه انجام این فریضه الهی، این است که باید به اندازه ضرورت بدان اکتفا بشود. و باید درجنگ نیز قوانین و قواعد جنگی پیش گفته و معیارها را رعایت کرد. (نجفی - جواهرالکلام - ۱۳۷۴، ج ۲۱: صص ۶۶-۱۴۶)

## نتیجه گیری نهایی

این مقاله رسالت خود را در پاسخ دهی به این سؤال اساسی می‌داندست که فرایند تحصیل امنیت بر اسای آموزه‌های فقه سیاسی اسلام؛ چگونه قابل تحقق است، و اساساً درمقایسه با مکاتب عمده امنیتی دیگر از چه برجستگی‌هایی برخوردار است. در توضیح و تبیین پرسش پیش گفته، ابتدا فرایند روش تحصیل امنیت، به طور اجمال به از منظر عمده‌ترین مکاتب امنیتی جهان به بحث گرفته شد و رویکردهای هرکدام تشریح گردید که براساس

رویکردهای هرکدام از مکاتب؛ این مسئله در دوران، بین روش‌های استفاده از: «زور» و «اقتدار» تا «اقتناع» دور می‌زند. و گفته شد که بر اساس رویکردهای دموکراسی مابانه نوعاً سخن از اقتناع گفته می‌شود. با این حال، در مکتب لیبرال؛ در این موضوع مشی و رفتار دوگانه مشاهده می‌شود؛ چه اینکه آنان از مؤلفه «اقتناع» در برابر کشورهای لیبرال و از مؤلفه «زور» علیه کشورهای به عقیده آنان غیرلیبرال سود می‌برند. و اما در رویکرد قدرت‌مداران، و کسانی هدف اصلی آنان در اختیار داشتن قدرت است، درین بحث، رویکرد «زورمدارانه» نیز تجویز شده است. و سرانجام توضیح داده شد در رویکرد شریعت‌گرایان، که چرخه روش تحصیل امنیت، عمدتاً برآستانه اقتدار دور می‌زند.

درین مقاله تبیین گردید که تحصیل امنیت، در اسلام، ابعادی زیادی دارد: چه اینکه از روش تحصیل امنیت در بعد سیاسی و نظامی، گرفته تا ابعاد فرهنگی، اقتصادی، و محیط زیست را شامل می‌گردد. و گفته شد که امنیت سیاسی؛ از طریق برقراری عدالت و رعایت اصول همانند عدل و انصاف؛ مشورت، اعطای آزادی‌های لازم از طریق آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی مذهب و مراسم مذهبی و غیره امکان پذیر است.

امنیت اجتماعی؛ از طریق امر به معروف و نهی از منکر، نصیحت، تذکر، رعایت حریم خصوصی مردم، امکان پذیر است. امنیت فرهنگی، در فقه سیاسی اسلام از طریق، هجرت، دعوت، امر به معروف و نهی از منکر، پای بندی به آموزه‌های دینی، امکان پذیر است. امنیت اقتصادی، از طریق برقراری عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت، مبارزه، با عوامل مخل امنیت اقتصادی همانند، احتکار، کم فروشی، غش در معامله، کلاهبرداری و غیره امکان پذیر است. امنیت زیست محیطی؛ با رعایت قواعد فقهی، همانند: حرمت اضرار به خود، حرمت اضرار به غیر، حرمت افساد در زمین، و قاعده حفظ نظام و محیط زیست امکان پذیر است.

## منابع

### الف) منابع فارسی

۱. ابن خلدون، عبد الرحمن. (۱۳۳۶). مقدمه. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
۲. ابونصر فارابی، اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، ترجمه تحشیه سید جعفر سجادی.
۳. احمدی، شهاب الدین نوری، نهاییه الارب، دکتر محمود مهدوی دامغانی، تهران امیر کبیر، ۱۳۷۷.
۴. افتخاری، اصغر، امنیت ملی: رهیافت‌ها و آثار، فصلنامه مطالعات راهبردی. (پیش شماره)
۵. اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، تهران، تهران، سمت ۱۳۷۷..
۶. افتخاری، اصغر، امنیت، تهران دانشگاه امام صادق (ع) ۱۳۹۱.

۷. ییاده، میرچا، فرهنگ ودین، ترجمه، بهاء الدین خرمشاهی تهران، طرح نو، ۱۳۷۴.
۸. باقر شریف القرشی، نظام حکومتی واداری در اسلام، ترجمه عباسعلی سلطانی، مشهد مقدس، بنیاد پژوهشهای اسلامی، استان قدس رضوی، چاپ دوم ۱۳۷۵.
۹. بوزان، باری، مردم دولت ها وهراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ سوم، ۱۳۹۰.
۱۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد، شرح غررالاحکم و دررالکلم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، چاپ ششم.
۱۱. تهامی، سید مجتبی، امنیت ملی، داکترین سیاست های دفاعی وامنیتی، تهران نشر آجا، ۱۳۸۴.
۱۲. جمز دوئرتی ورابرت فالتز گراف؛ نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل؛ علیرضا طیب ووحید بزرگی تهران، قومس، ۱۳۷۲.
۱۳. جهان بزرگی، احمد، امنیت در نظام سیاسی اسلام، اصول ومؤلفه ها؛ تهران، پژوهشگاه فرهنگ واندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
۱۴. شفایی، امان‌الله، تحلیل گفتمانی اسلام های سیاسی در افغانستان، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات وتحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۹۶.
۱۵. شیرازی، مکارم، تفسیر نمونه، تهران دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶، چاپ سی ودوم.
۱۶. شهبان، مایکل، امنیت بین‌الملل، ترجمه سید جلال الدین دهقانی فیروزآبادی، تهران مطالعات راهبردی، ۱۳۸۸.
۱۷. عبدالله خانی، علی، نظریه‌های امنیت، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات وتحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
۱۸. عظیمی شوشتری، عباسعلی، حقوق بین‌الملل اسلام، تهران داد گستر، ۱۳۸۶.
۱۹. عظیمی محمد نبی اردو و سیاست درسه دهه اخیرافغانستان، کابل، میوند، ۱۳۷۸.
۲۰. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی؛ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷).
۲۱. عمید زنجانی، عباسعلی، قواعد فقه، بخش حقوق بین‌الملل، تهران، سمت، ۱۳۹۲.
۲۲. غرایاق زندگی، داود، درآمدی بر سیاست گذاری امنیت ملی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۰.
۲۳. فلسفه سیاست، تهیه وتدوین مؤسسه آموزشی وپژوهشی امام خمینی، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی، ۱۳۷۷.
۲۴. فیرحی، داود، فقه و سیاست در ایران معاصر، تهران، نشر نی، ۱۳۹۰.
۲۵. القرشی، باقر شریف، نظام حکومتی واداری دراسلام، ترجمه عباسعلی سلطانی، مشهد مقدس، بنیاد پژوهشهای اسلامی، استان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
۲۶. کارولین، توماس، حکمت جهانی، توسعه، وامنیت انسانی، مرتضی بحرانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۲.
۲۷. لک زایی، نجف، جلسه درس فقه سیاست خارجی، ۱۳۹۲، جلسه ۸.
۲۸. لک زایی، نجف، جلسه درس فقه سیاست خارجی، ۱۳۹۲، جلسه ۶.

۲۹. لک زایی، نجف، سیر تطور تفکر سیاسی امام خمینی ره تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ هفتم.
۳۰. محمودی، سید علی، عدالت و آزادی، تهران، مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر، ۱۳۷۶.
۳۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۵.
۳۲. میر چالیا، فرهنگ و دین، ترجمه، گروه مترجمان، تهران، طرح نو ۱۳۷۴.
۳۳. نجف لک زایی، جلسه پیش اجلاس کرسی نظریه پردازی امنیت متعالیه، ۹۶/۱۰/۷.
۳۴. و.ت جونز، خداوندان اندیشه های سیاسی، ترجمه علی رامین، تهران، مؤسسه انتشاراتی امیر کبیر، ۱۳۷۰ (چاپ دوم)
۳۵. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه ضیاءالدین علایی طباطبایی، تهران، علمی فرهنگی، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۰.
۳۶. یزدان فام، محمود، دولت های شکننده و امنیت انسانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۰.
۳۷. آمدی، عبدالواحد تیمیمی شرح غررالحکم و دررالکلم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، با مقدمه و تصحیح میرجلالالدین محدث، چاپ ششم.

## ب) منابع عربی

۳۸. قمی ابو القاسم، جامع الشتات، تصحیح مرتضی رضوی، تهران، سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۵.
۳۹. ابن نجیم مصری، حنفی، البحر الرایق کنز الدقایق، تحقیق زکریا عمیرات، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق.
۴۰. ابن ابی الحدید، عزالدین ابی حامد عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت، داراحیاء الکتب العربیه، ۱۹۵۹.
۴۱. ابن اثیر، عزالدین، النهایه فی غریب الحدیث، تحقیق: طاهر احمد الزادی، محمود محمد الطناحی، قاهره، دار الکتب المصری، بی تا.
۴۲. ابن ادریس حلی، السرائر، قم، مؤسسه النشر الاسلامی لجامعه المدرسین، الطبعة الثنیه، ۱۴۱۰ ق.
۴۳. ابن الاثیر، عزالدین، ابوالحسن علی بن محمد، المعروف، الکامل فی التاریخ، بیروت دارالمعارف، ۱۳۸۵ ق.
۴۴. ابن العطیه، ابی محمد، عبدالحق المحرر، الوجیز فی تفسیرالکتاب العزیز، تحقیق: عبدالله بن ابراهیم انصاری و عبدالعال سید ابراهیم، دوحه، ۱۴۰۲.
۴۵. ابن تیمیه احمد؛ تقی الدین الحرانی، مجموع الفتاوی؛ بیروت دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۳ م.
۴۶. ابن درویش، عبد الرحمن بن محمد، اسنی المطالب، فی احادیث مختلفه المراتب، لبنان، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۱ م.
۴۷. ابن عاشور محمد الطاهر، مقاصد الشریعه الاسلامیه، الشركه التونسیه ۱۹۷۶ م.
۴۸. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.

۴۹. ابن مکی عاملی، محمد (شهید اول) القواعد والفوائد، بی‌جا، بی‌تا.
۵۰. ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۳۶۳ ق.
۵۱. ابن هشام، السیره النبویه، هاشم رسولی محلاتی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، بی‌تا.
۵۲. ابن هشام، السیره النبویه، مکتبه قاهره، محمدعلی صبیح، ۱۹۶۳.
۵۳. ابن هشام، سیرت رسول‌الله (ص)، ترجمه: رفیع‌الدین اسحاق بن محمد همدانی، (قاضی ابرقوه) تهران نشر مرکز، ۱۳۸۳.
۵۴. ابو الحسن علی بن محمد البغدادی الماوردی، الاحکام السلطانیة، قاهره، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۵۵. ابو السعادات مجد‌الدین ابن اثیر جزری، النهایه فی غریب‌الحديث والاثر، قم، اسماعیلیان، بی‌تا.
۵۶. ابو علی فضل‌ابن‌الحسن الطبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۷۹ ق.
۵۷. ابوالصلاح، حلبی، الکافی فی الفقه، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین (ع) ۱۴۱۱ ق.
۵۸. ابوجعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن الطوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، با تصحیح محمد باقر بهبودی، تهران، المکتبه المرتضویه، ۱۳۹۳.
۵۹. ابوجعفر محمد بن جریر الطبری، تاریخ‌المرسل و الملوک (تاریخ‌الطبری)، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۷۹.
۶۰. ابی جعفر محمد الحسن بن علی الطوسی، النهایه فی مجرد الفقه والفتوی، قم انتشارات قدس، {بی‌تا}.
۶۱. ابی جعفر محمد الحسن بن علی الطوسی، النهایه فی مجرد الفقه والفتوی، قم انتشارات قدس، {بی‌تا}.
۶۲. ایهاب عبد‌المطلب الموسوعه الجنائیه؛ فی شرح قانون العقوبات، مصر، المركز القومي لاصدارات القانونیه، ۲۰۱۰ م.
۶۳. برقی، ابو جعفر، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن (للبرقی) دار الکتب الإسلامیه، قم - دوم، ۱۳۷۱.
۶۴. جارالله محمود بن عمر، زمخشری، تفسیرالکشاف عن حقایق التنزیل، بیروت دارالکتب العربی، بی‌تا.
۶۵. جمال‌الدین محمد عطیه، نحو تفعلیل مقاصد الشریعه، الولايات المتحده الامریکیه، المعهد العالمی للفکر الاسلامی، هرنندن - فرجینیا ۲۰۰۸ الطبعة الثانيه.
۶۶. جوهری، اسماعیل ابن حمّاد الصحاح تاج اللغه العربیه، تهران، گویا، ۱۳۶۸.
۶۷. حائری یزدی، مهدی، حکمت و حکومت، بی‌جا، انتشارات شادی، ۱۹۹۵.
۶۸. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تحقیق: ربانی شیرازی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ چهارم، ۱۳۹۱.
۶۹. حسینی، سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهرالقاموس، بی‌جا، دار الهدایه، ۱۳۸۵.
۷۰. حکیمی محمد رضا، الحیاه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷ ج ۶، ص ۳۵۹.
۷۱. حکیم، محمد تقی، اصول‌العامة للفقهاء المقارن، بیروت، دارالاندلس، ۱۹۶۳.
۷۲. حلّی، (محقق) شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم انتشارات استقلال چاپ دوم، ۱۴۰۹.
۷۳. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکره الفقهاء (در یک جلد)، مؤسسه آل‌ال‌بیت علیهم‌السلام، قم، ۱۳۸۱.



۷۴. حلی (علامه) حسن بن یوسف، کشف المراد، بیروت مؤسسه الاعلمی، ۱۹۷۹.
۷۵. حمد صادق العفیفی، الاسلام والعلاقات الدولیه، بیروت دار الرند العربی چاپ دوم، ۱۹۸۶م.
۷۶. حمزه بن عبدا سلار دیلمی، المراسم العلویه، لبنان: بیروت، دارالحق، ۱۹۹۴.
۷۷. الخوی، ابوالقاسم الموسوی؛ مبانی تکمله المنهاج، نجف الاشرف، مطبعه الاداب (بی تا)
۷۸. خوی، سید ابوالقاسم، الاجتهاد والتقلید، قم، چاپ سوم، دار الهدی ۱۴۱۰ق.
۷۹. دیلمی، حمزه بن عبدالله، سلار، المراسم العلویه، لبنان: بیروت، دارالحق، ۱۹۹۴.
۸۰. رشیدرضا؛ محمد، تفسیر المنار، انتشارات دارالمعرفه، بیروت، بی تا، چاپ دوم.
۸۱. رفعت، سید، احمد قرآن وسیف، قاهره مکتبه مدبولی، اغسطس، الطبعة الثانيه، ۲۰۰۲.
۸۲. السید سابق، محمد، فقه السنه، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۷۹.
۸۳. صدر، سید محمدباقر، الاسلام يقود الحياه، قم، مرکز الابحاث والدراسات التخصصیه للشهیدصدر، ۱۳۷۹.
۸۴. الطوسی، ابی جعفر محمدبن الحسن، المبسوط، المکتبه المرتضویه، چاپ دوم، بی تا.
۸۵. الطوسی، ابی جعفر محمدبن الحسن، النهايه في مجرد الفقه والفتاوي، بیروت دارالکتب العربی، ۱۴۰۰ق.
۸۶. علاء الدین کاسانی، بدایع الصنایع، فی ترتیب الشرایع، دار الكتاب العربی، بیروت ۱۹۸۲.
۸۷. غزالی محمد، المستصفی من علم الاصول، دارالذخایر ۱۳۶۸.
۸۸. القرضاوی، یوسف، مدخل لدراسه الشریعه الاسلامیه، القاهره مکتبه وهبه ۱۹۹۰م.
۸۹. قرطبی، انصاری، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القران، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم.
۹۰. کاسانی، علاء الدین، بدایع الصنایع، فی ترتیب الشرایع، دار الكتاب العربی، بیروت، ۱۹۸۲.
۹۱. کرکی، محقق، جامع المقاصد، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۷ق.
۹۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت داراحیاء التراث العربی چاپ سوم، ۱۴۰۳.
۹۳. الموسوعه العربیه العالمیه، مؤسسه أعمال الموسوعه للنشر والتوزیع، الرياض، ۱۴۱۹هـ (۱۹۹۹م).
۹۴. الموسوعه العربیه العالمیه، مؤسسه أعمال الموسوعه للنشر والتوزیع، الرياض، ۱۴۱۹هـ (۱۹۹۹م).
۹۵. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، چاپ پنجم.
۹۶. نجفی، کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء (ط - الحدیثه) انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۲ هـ.
۹۷. نجم الدین، ابوالقاسم (محقق حلی) شرایع الاسلام، تهران، استقلال، ۱۳۷۷.

### ج) مقالات

۹۸. لک زایی، نجف، مطالعات فقهی امنیت، پژوهشنامه علوم سیاسی؛ سال نهم، شماره دوم بهار ۱۳۹۳.
۹۹. لک زایی، نجف، مطالعات فقه امنیتی، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال نهم، شماره دوم، بهار، ۱۳۹۳.

۱۰۰. ، اطلاعات سیاسی و اقتصادی ش ۱۳۳-۱۷۴ بهمن و اسفند ۱۳۸۰.
۱۰۱. نجف لکزایی، مطالعات فقهی امنیت، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال نهم، شماره دوم، بهار، ۱۳۹۳.
۱۰۲. میر عنایت الله سادات، مقاله تجدد خواهی ص ۲۷ در سایت آزادی.
۱۰۳. مقصود فراست خواه؛ دین و امنیت، مقالات ارایه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی، تهران معاونت امنیت و انتظامی وزارت کشور، ۱۳۸۶.

#### (د) منابع انگلیسی

104. Aaron L. Friedberg, 'The Changing Relationship Between Economics and national Security', in Henry Bienen (ed.), *power. Economics and Security*, Boulder CO: Westview Press ۱۹۹۲, p. 134.
105. Alfred Thayer Mahan, *The Influence of Sea Power on History...*, ۱۳۸۳، ۱۶۶۰،
106. Gilpin ۱۹۸۶:۲۳۴-۲۷۸ ; See Morgenthau. ۱۹۹۳:۸-۱۴۶ ،
107. Ian Blaney Towards a theory of international security *political Studies* 29: 1 (198) p. 102 3
108. Janet Kelly, *International Monetary Systems and National Security*, Knorr and Trager ، ۱۸۸. 189. *Economic and National Security*, pp231-58